

جایگاه جلوخان مساجد دیروز و امروز در شکل‌گیری و تقویت قرارگاه رفتاری (مقایسه تطبیقی نمونه موردی مسجد وکیل و مسجد الزهرا در شیراز)

نقیسه گلستانی - پژوهشگر دوره دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

سمیرا میری - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، پردیس علوم تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

قاسم مطلبی* - دکترای معماری، عضو هیئت علمی پردیس هنرهای زیبا، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

Mosques forecourt place yesterday and today in the formation and strengthening of behavioral setting (comparative case study in Shiraz Vakil Mosque and the Mosque of Al-Zahra) Abstract

Islam is a social religion in all its aspects, mistakenly as one of the most visible aspects of community identity and Islamic city, the mosque which is well known for his intellectual and spiritual dimensions have always been fundamental. It seems that now the leading role in organizing social and physical structure in the Islamic mosques, and in the cities of contemporary Iranian - Islamic're not fade. Hence, the focus of this paper is to identify specific physical meaning and ancient mosques in the cities of Islamic Iran. That can be used today as a system of social and physical part of Muslims to play their roles. For this purpose, as well as case studies and Msjdfatmh Al Vakil Mosque of Shiraz is selected. It should be noted that the study of comparative method - analytical and historical and comparative approach using Likert scale and Cronbach's alpha reliability testing and data collection tools: a literature review and field observations have been used. That in different historical periods prior to the present century, the venue for important social events and social interaction among citizens is desirable. While the Fatima Zahra mosque being built in contemporary and urban social and physical impact is less effective. Is one of the factors that influence the invalidity of the headquarters of the system behavior dilute and weaken the forecourt element in the physical structure of components in aerospace organization, flexibility, visual proportions, signs, sensory richness, and knew readability.

Keywords: mosque, organizing physical, social organization, forecourt, Vakil Mosque, and Fatima Zahra mosque.

اسلام در تمام شئون خود دینی اجتماعی است؛ چنانچه یکی از آشکارترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی، مسجد است که به سبب بعد عقلانی و معنوی ویژه خود همواره نقشی بنیادی داشته است. به نظر می‌رسد امروزه این نقش برجسته مساجد در سازماندهی ساختار کالبدی و اجتماعی شهرهای اسلامی، و در شهرهای معاصر ایرانی- اسلامی در حال کم‌رنگ شدن است. از این رو، توجه اصلی این مقاله به شناسایی ویژگی‌های معنایی و کالبدی خاص مساجد کهن در شهرهای ایرانی اسلامی است که می‌توانند امروزه نیز به عنوان عامل نظام بخش کالبدی و اجتماعی شهر مسلمانان ایفای نقش نمایند. به این منظور و به عنوان نمونه پژوهی مسجد وکیل و مسجدفاطمه الزهرا شیراز انتخاب شده است. ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر از روش تطبیقی- تحلیلی و روش تاریخی و مقایسه‌ای با استفاده از طیف لیکرت و آزمون پایایی آلفای کرونباخ و ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی بهره گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مسجد وکیل، مسجدی است که نگاهی گذرا به فرآیند شکل‌گیری و تاثیرگذاری آن در بافت تاریخی شیراز بیانگر تاثیر شگرف آن در تلفیق مطلوب زندگی روزمره شهروندان و عملکردهای سنتی مساجد و مکانی مقدس است که در دوره‌های مختلف تاریخی تا پیش از قرن حاضر، محل برگزاری رویدادهای مهم اجتماعی و برقراری تعاملات مطلوب اجتماعی میان شهروندان بوده است. در حالیکه مسجد فاطمه الزهرا که در دوران معاصر ساخته شده است و فاقد تاثیرگذاری اثربخش کالبدی و اجتماعی شهری می‌باشد که می‌توان یکی از عوامل اثرگذار بر بی اعتباری قرارگاه‌های رفتاری آن را کم‌رنگی و تضعیف عنصر جلوخان در ساختار کالبدی آن در حوزه مولفه‌های سازمان فضایی، انعطاف‌پذیری، تناسب بصری، نشانه، غنای حسی، و خوانایی دانست.

واژگان کلیدی: مسجد، سازماندهی کالبدی، سازماندهی اجتماعی، جلوخان، مسجد وکیل، و مسجد فاطمه الزهرا.

ما با چالش روبرو گشته است. «شهر در جریان زندگی خود به عنوان یک نظام زنده هدفمند با تغییر و تحولات فراوانی روبروست. نگرش به شهر از جنبه‌هایی که مسجد به عنوان یک عملکرد مذهبی نقش خود را در تکامل و تعریف زندگی شهری بیان می‌کند» (شعیبی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۴). حضور عناصری چون مسجد و مدرسه، بستر برای حضور نیروهای اجتماعی فراهم آورده و به واسطه حضور قوی دولت به-عنوان صاحب سرمایه و ناظر بر تنسيق امور، نیروی سیاسی نیز در این مکان حضور داشته است (حبیبی، ۱۳۸۳). مهمترین شاخصه‌های مسجد از نظر استفاده‌کنندگان نخست ویژگی کالبدی و بعد از آن فعالیت‌ها و معانی مسجد است. مسجد به-عنوان مفصل بین عملکرد مذهبی و حکومتی محسوب می‌شده است. اندکی از تحقیق راجع به جایگاه مسجد در استخوان بندی شهر می‌باشد و در نهایت به بررسی عواملی که مسجد به عنوان یک فضای شهری جهت تعاملات اجتماعات انسانی شهری و افزایش سرمایه اجتماعی، جایگاه کالبدی خود را از دست داده است^۱. از سویی دیگر، «محیط» شامل

مساجد از مهمترین فضاهاى مذهبی-اسلامی و بالاخص از اولین فضاهاى است که در جریان شکل‌گیری شهرها اسلامی بوجود آمدند. در سده‌های نخستین اسلام این عناصر نقش بسزایی در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی جامعه اسلامی ایفا کرده و همواره مورد اقبال و توجه عموم مردم بوده اند، مساجد و فضاهاى مذهبی در قالب شبکه گسترده‌ای در محلات شهرهای اسلامی تعبیه شده و زمینه‌های معنوی، ویژگی‌های کالبدی و ویژگیهای عملکردی آنها از جمله شاخص‌های بی‌بدیلی می‌باشند که سبب شده‌اند تا آنها توان بالقوه‌ای برای تبدیل شدن به عنصری تاثیر گذار و کارآمد در شهر اسلامی را در خود داشته و به صورت سرمایه‌های عظیم اجتماعی و معنوی عمل نمایند. لیکن به نظر می‌رسد در حال حاضر علیرغم پیشینه درخشان این فضاها و توان بالقوه آنها در انتظام بخشی کالبدی و اجتماعی شهر و محلات، میزان و شدت تاثیرگذاری فضاهاى مذهبی مساجد و اقبال عمومی از آنها در جامعه

۱. امروزه مساجد در باب برگزاری آیین شکوهمند نماز در سطوح محلات و مناطق شهری از جایگاه بی‌بدیلی در ارتقاء همبستگی اجتماعی و ساماندهی مناسبات شهروندی و تعاملات اجتماعی برخوردار شده اند؛ چنانچه از یک حوزه سرزمینی متصف به صفت اسلامیت نیز انتظاری غیر از این نخواهد بود. از سویی دیگر، در جامعه معاصر در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و اقتصادی از نوع دیگری از سرمایه به نام «سرمایه اجتماعی» نام برده می‌شود. بر اساس نظر بسیاری از اندیشمندان، این مفهوم به «پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه» به عنوان منبع با ارزشی اشاره دارد که از طریق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف افراد و اعضاء جامعه می‌گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که افراد، گروهها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب به کار می‌گیرند، مفهومی است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی و اقتصادی از آن برای توصیف طیف وسیعی از فرایندهای اجتماعی و نیز برای پاسخ به پرسشهایی در جهت تحقق توسعه استفاده می‌کنند. در دیدگاه‌های سنتی، مدیریت توسعه، سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می‌کردند اما در حال حاضر گفته می‌شود برای توسعه بیشتر از آن چه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم، به سرمایه اجتماعی نیازمندیم؛ زیرا بدون سرمایه اجتماعی، استفاده از دیگر سرمایه‌ها بطور بهینه انجام نخواهد شد؛ در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی است سایر سرمایه‌ها ابرتر مانده و کم‌بازده می‌شوند. از اینرو، موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده و مدیرانی موفقند که بتوانند درک درستی از اهمیت و کارکرد سرمایه اجتماعی داشته باشند. بنابراین سرمایه اجتماعی که در واقع از ارزشها و هنجارهای جامعه، استحکام تعهدات متقابل بین افراد، گروهها و تا حدود زیادی مشارکت اجتماعی تامین می‌شود حافظ جامعه و گروههای اجتماعی در بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و می‌تواند از توقف جامعه در مرحله عقب ماندگی جلوگیری کرده و آن را به سمت توسعه پیش برد.

مجموعه‌ای از «قرارگاه‌های رفتاری» است که درون یکدیگر قرار گرفته‌اند و باهم، فصول مشترک دارند. این قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی‌اند: «الگوی شاخص رفتار» و «محیط فیزیکی». اگر یک الگوی جاری رفتاری در یک مکان کالبدی در زمانهای مختلف بروز کند، آن مکان می‌تواند جزئی از یک یا چند قرارگاه رفتاری باشد. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک او از دنیای خارج و معنایی که این تصویر برای او دارد، می‌باشد؛ بنابراین هر رفتار تحت تاثیر شرایط فوق می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. «رفتار» تنها تابع «فعالیت» نیست؛ بلکه ترکیبی از: ۱. فعالیت، ۲. زمان و ۳. محیط^۲ است. انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزئی از آن به شمار می‌رود. رفتار اجتماعی نیازمند بستری برای روی دادن است، بنابراین رابطه انسان و «محیط» به صورت یک رابطه «رفت و برگشتی و تعاملی» موردنظر است. موضوع علم «طراحی شهری» خلق فضاهای عمومی با کیفیت در سطح شهر می‌باشد، آن‌جا که زندگی عمومی افراد در جریان است و در خیابان و میدان و پارک و غیره، مردم با ویژگیها و کیفیت‌های مطلوب و نامطلوب آن در تماس مستقیم قرار می‌گیرند. از سویی، از آنجا که رفتار در رابطه با محیط شکل می‌گیرد، به شدت تحت تاثیر «فرهنگ و اجتماع» می‌باشد و پیوسته معلول علتی «اجتماعی و فرهنگی» است. محیط می‌تواند خاستگاه «ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی» باشد، گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضای شهر دارای نیازها و الگوهای رفتاری و بسترساز «قرارگاه‌های رفتاری» مختلفی

هستند. بخشی از این نیازها معطوف به نیازهای مختلف و متعدد انسانی است و بخشی دیگر به ویژگی‌های کالبدی و نقش فضای مورد استفاده در شهر مربوط می‌شود. همچنین برخی از الگوهای رفتاری به نیازهای دسته‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا بستگی دارد و برخی از این الگوها تابع فرهنگ و بستر فرهنگی جامعه می‌باشد. بنابراین نحوه برقراری این رابطه تعاملی بستگی زیادی به چهار عامل دارد که عبارتند از: ویژگی‌های کالبدی فضای مورد استفاده، نیازهای انسانی به طور عام، نیازهای مخاطبین و استفاده‌کنندگان خاص آن فضا و در نهایت الگوهای رفتاری و بستر فرهنگی جامعه. در این مقاله به بررسی «جایگاه جلوخان مساجد دیروز و امروز در شکل‌گیری و تقویت قرارگاه رفتاری» اشاره شده و در پایان نیز راهکارهایی برای تقویت قرارگاه‌های رفتاری در جلوخان مساجد به اختصار مورد تبیین قرار می‌گیرد.

مبانی نظری تحقیق

فضاهای شهری و روانشناسی محیطی

انسان با توجه به نیازها، ارزشها و هدف‌های خود، محیط را دگرگون می‌کند و بطور متقابل تحت تاثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد؛ بویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می‌شود تاثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. در ضمن در رابطه با مفهوم فضا در روانشناسی محیطی می‌توان به مفهوم قرارگاه‌های رفتاری اشاره داشت؛ چنانچه در روانشناسی محیط، رفتار را در چهار چوب قرارگاه فیزیکی مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهند، به طور مثال یک مدرسه یا آموزشگاه قرارگاه فیزیکی محسوب می‌شود؛ قرارگاه فیزیکی به معنی فضای فیزیکی با هدفهای کاربردی و سازمانی تعریف شده به کار

۲. در این رابطه، کورت کافکا (۱۹۳۵)، بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قایل می‌شود، چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می‌داند، و محیط رفتاری را تصویرشناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد. علاوه بر این «داگلاس پورتیوس» (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم محیط پدیده‌ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۷).

می رود؛ مانند بیمارستان که محل مداوای بیماران است یا کلاس درس که محل تدریس و تعلیم است (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۹). «نظریه های روانشناسی محیط در فضا» به قرار زیر است:

۱. «اختیاری»: محیط تأثیری روی رفتار و اراده انسان ندارد؛ بگونه ای فقدان تأثیر محیط را مطرح می کند.

۲. «امکان گرا»: محیط امکانات و فقدانهای مختلف را بوجود می آورد ولی در نهایت انسان در انتخاب، آزاد است.

۳. «احتمال گرا»: احتمال آماری رفتارها را زیاد می کند، تفاوتش با امکان گرا در این است که جنبه آماری دارد (چیدمان اتاق).

۴. «قطعیت گرا»: تأثیر محیط کاملاً قطعی است. سه نظر در مورد جبریت محیطی معماری بدین شرح است:

- جبریت محیط (اقلیم فرهنگ؛ طبقه اجتماعی؛ نوع تربیت؛ عناصر تاریخی و جغرافیایی)؛

- جبریت معماری (کاملاً فیزیکی است؛ فضای هدایت شده مصنوع و خرد؛

- جبریت کالبدی (در حوزه وسیعتر، شهر، غیر از شهر اقلیم هم در آن دخالت دارد، منطقه کوهستانی، و بیابانی).

انواع فضا سازی از دیدگاه روانشناسی محیط به قرار زیر است:

۱. «فضا با سیمای نیمه ثابت»: فضاهای چندعملکردی که قابلیت فضایی و رفتاری زیادی دارند، بنابراین فضاهای چندعملکردی تثبیت شده نیستند. فضاهایی که کیفیت آنها را می توان با تغییر فاکتورهایی نظیر چیدمان مبلمان، تغییر داد که این تغییرات موجب تغییرات رفتاری کاربران آن فضا هم خواهد بود؛ بنابراین می توان الگوهای رفتاری مناسب را استخراج کرد و فضا را در جهت رسیدن به آن سازماندهی کرد.

۲. «فضای بی شکل»: در واقع همان فواصل فضایی است که شکل ندارد.

۳. «فواصل در حیطه انسانی»: این فواصل را به نام های فاصله گریز، فاصله بحرانی و فاصله شخصی و اجتماعی طبقه بندی کرده است. فاصله گریز و فاصله بحرانی به جز در چند مورد، از واکنش های انسانی حذف گردیده است.

۴. «طبقه بندی مدل هم جواری» (فواصل انسان در شرایط محیطی): که بر اساس دیدگاه آلمن به قرار زیر است: فاصله خصوصی؛ فاصله شخصی؛ فاصله اجتماعی؛ فاصله عمومی.

فرضیه نهفته در سیستم طبقه بندی مدل هم جواری بدین قرار است که؛ بروز رفتاری که ما آنرا تعیین مرز قلمرو (مالکیت) می نامیم، در سرشت تمام حیوانات و انسان وجود دارد و برای این کار، آنها از حواس برای تشخیص یک فضا یا فاصله از فضای دیگر استفاده می کنند. انتخاب فاصله ای معین بستگی به کنش متقابل، ارتباط افراد و واکنش گرا، نحوه احساس آنها و آنچه انجام می دهند، دارد.

۱) «فاصله صمیمی»: در این فاصله، حضور شخص دیگر تردید ناپذیر بوده و ممکن است به دلیل غلبه داده های حسی به دفعات ناراحت کننده باشد.

بینایی (اغلب انحراف یافته)، بویایی گرمای بدن شخص دیگر، صدا، بو و احساس نفس شخص دیگر همگی علامت تماس با شخص دیگر است: ۱، ۱.

فاصله صمیمی (حالت نزدیک): استفاده از شرایط مربوط به رعایت فاصله به شدت کاهش می یابد

و بر عکس میزان حس بویایی و احساس حرارتی حاصله در بدن هر دو رو به افزایش می رود. در این فاصله می توان جزئیات را مشاهده کرد. ۱، ۲. فاصله

صمیمی (حالت دور- فاصله: شش تا هجده اینچ): دید شفاف (تا ۱۵ درجه) بخش های بالایی یا پایینی صورت را شامل می شود که آن هم بزرگتر به نظر

می آید. دید پیرامونی (۳۰ تا ۱۸۰ درجه) قسمت های پیرامونی سر و شانه ها و غالباً دست ها را در بر می گیرد. بیشتر ناراحتی های جسمانی موقعی است که افراد خارجی در درون فضای خصوصی آن

ها بطور نابجا حضور یابند (انحراف سیستم بینایی

مطرح می شود).

۲) «فاصله شخصی»: در اصل برای مشخص ساختن فاصله ثابتی که اعضای گونه های غیر تماسی را از هم جدا می کند، به کار برده می شود. شاید بتوان آنرا محیط یا حباب حفاظتی (هاله) کوچکی فرض کرد که یک موجود زنده بین خود و دیگر موجودات نگه می دارد.

۳) «فاصله اجتماعی»: خط مرزی بین شخص در حالت دور و حالت نزدیک در فاصله اجتماعی، (حد تسلط) را مشخص می کند. جزئیات معنی دارب صری از صورت قابل مشاهده نیست و نمی توان انتظار تماس با فرد دیگری را در این فاصله داشت مگر با کوشش زیاد. تغییرات بسیار کمی بین حالات دور و نزدیک در این فاصله وجود دارد. می توان مکالمات را بیش از بیست پایی بخوبی شنید. افزایش صدا یا فریاد کشیدن، باعث کاهش فاصله اجتماعی به فاصله شخصی می گردد.

۴) «فاصله عمومی»: در این فاصله یک فرد، در صورت تهدید می تواند حالت تهاجمی، دفاعی یا فرار به خود بگیرد. حتی ممکن است اثری از واکنش گریز اما در خارج از مرحله آگاهی شخص در این فاصله مشاهده گردد (هال، ۱۳۸۵، صص ۱۳۵-۱۵۴).

تعامل اجتماعی و فضاهای باز شهری

فضاهای عمومی از اهمیت ویژه ای در حیات تعاملات جمعی شهروندان برخوردارند که اغلب از بیشترین امکانات به صورت بالفعل و بالقوه برای حضور شهروندان بوده و نیز محدودیت های زمانی، اندازه و کنترل ندارند (پاکزاد، ۱۳۸۴). فضاهای باز عمومی امکان انگیزش و انتخاب آزاد میان رفتارها، حرکت ها و اکتشافات بعدی را برای تعداد معنی داری از مردم و شهروندان فراهم می آورد (Lynch, ۱۹۷۲)؛ به عبارتی فضای منظمی که خود را به راحتی با گوناگونی رفتارها تطبیق داده و زمینه خنثی و القاء کننده را برای کنش های خودانگیخته فراهم می آورد (Ibid, ۱۱۰). در فضاهای عمومی فرصت آن

وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخورد های از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوسته و افراد در یک محیط اجتماعی جدید باهم اختلاط پیدا کنند (Ibid: ۱۰۹). تعاملات متقابل رودررو شالوده اصلی همه شکل های کنش متقابل اجتماعی است. کنش متقابل روزمره به روابط و مناسبات ظریف میان آنچه در قالب کلمات بیان می کنیم و آنچه از طریق صور پر شمار ارتباط غیر کلامی به دیگران انتقال می دهیم، بستگی دارد؛ بنابراین به طور کلی انواع مختلف کنش های متقابل اجتماعی را میتوان به دو دسته ارتباطات کلامی و ارتباطات غیر کلامی (یا زبان بدن) تقسیم نمود (گیدنز، ۱۳۹۰). «گافمن» در دسته بندی متفاوت دیگری دو نوع کنش اجتماعی را شناسایی می نماید. معیارهای دسته بندی وی سطح توجه افراد دخیل در کنش اجتماعی به رفتار و حالات یکدیگر است:

۱. دسته نخست، کنش متقابل غیر کانونی زمانی رخ میدهد که افراد، اطلاع از حضور یکدیگر را به نمایش میگذارند. در این حالت مردم پیوسته در حال برقراری ارتباطات غیر کلامی از طریق اداها و حالات چهره شان هستند؛

۲. اما کنش متقابل کانونی هنگامی رخ می دهد که افراد مستقیماً به آنچه دیگران می گویند یا انجام می دهند، توجه داشته باشند. گافمن هر نوع کنش متقابل کانونی را یک مراوده می داند که حاکی از کنار گذاشتن بی اعتنایی مدنی است و بخش زرگی از زندگی روزانه ما را تشکیل می دهند. مراد ما از تعامل اجتماعی در این نوشتار، کنش متقابل کانونی است. نکته بسیار مهم و اساسی در کنش های متقابل اجتماعی، وضعیت مند بودن آنهاست. کنشها در مکانی خاص رخ می دهند و مدت زمان مشخصی دارند؛ بنابراین واجد نوعی همسویی زمان-مکان هستند. مفهوم منطقه-ای شدن به ما کمک می کند که بدانیم زندگی اجتماعی چگونه ناحیه بندی زمانی- مکانی می شود. تعامل تجربه های اجتماعی و ویژگی قرارگاه های رفتاری، موضوع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۱۹

مهمی در بحث تعامل اجتماعی است؛ به طور کلی همجواری، تجانس، تراکم، موقعیت و هدف، عوامل اولیه و اصلی در ایجاد تعامل میان افراد هستند (مان، ۱۳۶۳). یکی دیگر از عوامل محیطی مؤثر بر تعامل اجتماعی، تعداد افراد موجود برای تماس در یک محدوده فضایی است. مجاورت فضایی از مهمترین تعیین کننده های روابط آنی افراد است، ولی حضور عده ای زیاد در فضایی بسیار کوچک می تواند منجر به ادراک روانشناختی ازدحام شود (آلتمن، ۱۳۸۲). از این رو فضاهای باز شهری به عنوان یک قرارگاه رفتاری، نقشی مهم در تأمین نیاز اجتماعی افراد، تعامل مردم با یکدیگر و توسعه روابط فردی و اجتماعی دارند. وجود فضاهای دنج و خصوصی برای ملاقاتها و صحبت های چهره به چهره افراد با یکدیگر با توجه به شرایط سنی، جنسی و اجتماعی و ایجاد فضاهایی برای ارائه مهارت های فردی و گروهی می توانند به عنوان قرارگاه های رفتاری مؤثر در ایجاد ارتباطات اجتماعی باشند (فلاحت و کلامی، ۱۳۸۷).

مسجد

در طول تاریخ اسلام، مساجد در زندگی جمعی مسلمانان نقش مهمی داشته اند. شاید بتوان گفت در مقطعی از تاریخ اسلام، مساجد یکی از مهمترین و منحصر بفردترین عناصر بروز زندگی جمعی بوده و به نوعی برقرار کننده ارتباط میان زندگی جمعی و مادی انسان و زندگی عبادی و فردی او بوده اند. در ایران نیز مساجد از دیرباز نقش مهمی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی ایفا نموده اند. آنها از یک سو محل برگزاری مراسم عبادی بوده اند و از سوی دیگر، مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می کرده و به حل و فصل امور مردم می پرداخته اند. در تاریخ شهرهای ایران، به وفور نمونه هایی از این نوع عملکرد دوگانه مساجد یافت می شود به گونه ای که برخی مورخان غیر بومی نیز به آن اشاره نموده اند. دروازه مسجد در ایران، با دو مناره در طرفین

آن یادآور خاطره بهشت بوده که در میان دو مظهر متضاد تنها محور جهان است (امین زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲). واژه مسجد در قرآن، بیست و هشت بار آمده است و صریحا از مسجد به عنوان مکانی که انسان مسلمان در آن عبادت نموده و به وسیله آن ایمان به یگانگی خداوند را اظهار می دارد نام برده شده است (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). تکرار این واژه در قرآن و تاکید بر نقش آن نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسجد در دین اسلام و میان مسلمانان است. با مطالعه تاریخ و تمدن اسلامی در می یابیم که مساجد به عنوان عبادتگاه مسلمانان در طول اعصار از تحول و پویایی خاصی در کالبد و محتوا برخوردار بوده اند. این امر از طرفی ریشه در حس پرستش موجود در فطرت آدمی داشته و از طرف دیگر برخاسته از حس زیبایی دوستی انسانها می باشد. مسلمانان در طول زمان تلاش کرده اند این حس زیبایی دوستی را در کالبد مساجد به تصویر کشیده و به خلق فضاهایی بپردازند که ضمن بر آورده کردن نیاز پرستش و عبادت بر آورنده حس زیبایی شناختی آنان نیز باشد (سلیمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۶). همچنین انسانها بنابر نیاز فطری خود مجبور به زندگی جمعی هستند، ضرورت بر طرف کردن این نیاز به حدی است که برخی معتقدند انسان بدون زندگی جمعی قادر به ادامه حیات نمی باشد و بقاء انسانی با زندگی جمعی او درآمیخته است (کوزر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). مساجد همواره محل برقراری ارتباطات اجتماعی در سطح محلات و شهرها بودند. بسیاری از کنش های اجتماعی و اقتصادی مردم نظیر آموزش (مسجد- مدرسه ها) (همان، ص ۲۸)؛ و حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مساجد صورت می گرفت؛ حتی مساجد در زمینه امور سیاسی همواره به عنوان اهرم های کنترل و نظارت بر حاکمین سیاسی جامعه عمل می کردند (حاج سید جواد، ۱۳۷۸، ص ۸۳)؛ به این ترتیب می توان گفت مسجد در جامعه ایرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و

کالبدی تاثیر گذار بوده است.

جایگاه اجتماعی و فرهنگی مساجد

تنوع و کثرت فعالیت ها و عملکردهای اجتماعی مساجد در زمان رسول خدا به گونه ای بود که می توان گفت، مساجد در سیره نبوی عامل و وسیله ای برای تجلی دین اسلام و نمود عینی تلاش پیامبر (ص) برای ارتقاء زندگی اجتماعی مردم جامعه خود بودند. مسجد در صدر اسلام از چنان اهمیت والایی برخوردار بود که عده ای معتقدند در زمان پیامبر (ص) مساجد در واقع الگویی از جامعه مطلوب دینی (در مقیاس کوچک) و زمینه ای برای فراهم آمدن فضایی مناسب برای تمرین شهروندی بوده اند (الویری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). دین اسلام، حدود چهارده قرن پیش در میان مردمی که به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به گواهی تاریخ یکی از جوامع عقب مانده و بدوی زمان خود به شمار می رفتند، ظهور کرد. حضرت محمد (ص) در میان چنین مردمی مأمور ارائه و تشریح کامل ترین و پیشروترین دین الهی گشت. ایشان در اولین گام تشکیل حکومت اسلامی به ساختن مسجد اقدام نمودند. مسجد قبا و مسجد النبی به عنوان اولین مساجد امت اسلامی اگرچه به لحاظ کالبدی در اوج سادگی و خودبسندگی ساخته شدند لیکن بر اساس اسناد و شواهد تاریخی در زمان نبی مکرم اسلام (حتی سالها پس از رحلت ایشان) مساجد فقط به عنوان محلی برای عبادت یا ارتباط با خدا استفاده نشدند، بلکه همواره در سیره نبوی مسجد علاوه بر عملکرد عبادی دارای عملکردهای متنوع دیگر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بوده است. مساجد همواره در طول تاریخ شکل گیری خود دارای اثرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه اسلامی بوده اند که در زمینه های گوناگون نظیر تقویت انسجام اجتماعی، ارتقاء مشارکت های مردمی، افزایش امنیت اجتماعی، ایجاد تنوع عملکردی و ارتقاء حس تعلق مکانی نقش داشته اند. برای این منظور معمولا در شهرهای اسلامی، مساجد از نظر

دامنه، تنوع و حوزه عملکردی آنها به انواع مختلفی تقسیم می شدند که مساجد جامع، مساجد متوسط محله ای، مساجد کوچک و مسجد مدرسه ها از آن جمله هستند. همچنین «مساجد در طول تاریخ اسلام دارای کارکرد سیاسی نیز بوده اند، همیشه مساجد به مثابه ابزار نظارتی برای حاکمان عمل می کرده اند و آنان همواره برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود مجبور به نزدیکی مساجد و عالمان و قدرتهای مذهبی بودند. از این رو، حاکمان سیاسی هر گاه از عالمان و قدرت های مذهبی دور می شدند و از حمایت های آنها محروم می شدند سعی در ایجاد مساجد و قدرتهای مذهبی وابسته به خود می نمودند که از آنها به عنوان مساجد درباری یاد شده است. در محیط سنتی اسلام، استفاده از مسجد به گونه ای ایده ال بود، زیرا مسجد به عنوان مکانی چند منظوره برای عبادت و گردهمایی، قرائت قرآن، تصمیم گیری سیاسی و نیز مکانی برای استراحت مورد استفاده قرار می گرفت» (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). به عنوان مثال، مسجد مدینه در صدر اسلام تنها برای ادای فریضه نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت های دینی و اجتماعی مسلمانان، همان مسجد بود (مطهری، ۱۳۴۹، ص ۴۰). عملکرد دیگر مساجد، برپایی مراسم آیینی همچون برگزاری مراسم تعزیه خوانی، مراسم سوگواری، برگزاری مراسم دعا و نیایش در ایام ویژه است. اساسا به نظر می رسد در طراحی کالبدی و برنامه ریزی عملکردی مساجد همواره توجه خاصی به قابلیت انعطاف پذیری و تغییر عملکرد برای فضا در نظر گرفته می شده است.

در محیط سنتی جامعه اسلامی، فضاهای مذهبی به ویژه مساجد دارای جایگاه خاصی بودند. هر شهر و قریه ای عمدتا حول مسجد آن شهر یا قریه شکل می گرفت، همزمان با رشد و توسعه هر شهری مساجد دیگری به موازات توسعه محلات جدید احداث می شدند. مساجد دارای سلسله مراتب کالبدی و عملکردی در شهر و محلات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۲۱

بودند (پورجعفر، ۱۳۷۶، ص ۵۸). مراکز عملکردی و کانون‌های فضایی هر شهر و محله‌ای در حول محور مساجد و یا اماکن مذهبی آن شکل می‌گرفت سه عنصر مذهب تجارت و سیاست در کنار یکدیگر (حداقل به لحاظ کالبدی) در مرکز شهر و محلات جانمایی می‌شدند. در چنین شرایطی فضاهای مذهبی دارای کارکردهای بارزی بودند از جمله این کارکردها می‌توان به کارکرد سازماندهی کالبدی محله یا شهر، تجمیع عملکردهای اجتماعی، فرهنگی در محیط‌های پیرامون این فضاها و هویت و معنا بخشی به محیط محله و شهر اشاره نمود.

مسجد و سازماندهی کالبدی شهر

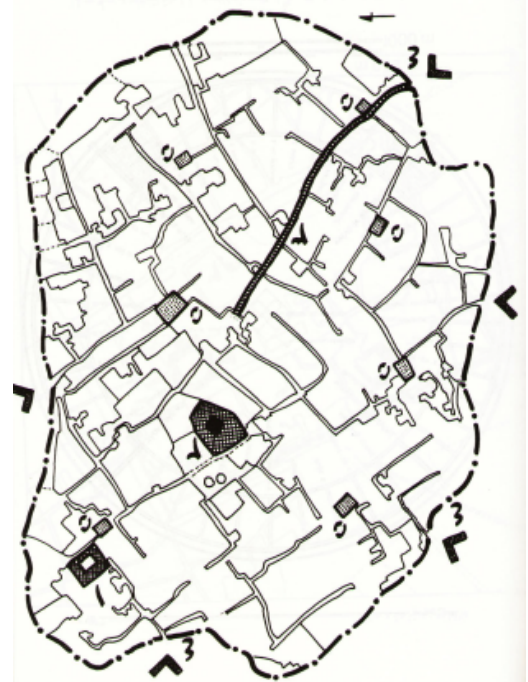
علیرغم اینکه در صدر اسلام نقش کالبدی مساجد از اهمیت زیادی برخوردار نبود لیکن با گذشت زمان مسجد توانست از منظر کالبدی نیز به عنوان یک عنصر تاثیر گذار در شهرهای اسلامی عمل کند. تاثیر کالبدی مساجد به مرور به گونه‌ای خاص و پر اهمیت گشت که در مقاطعی از تاریخ در شهرهای اسلامی مسجد (به ویژه مسجد جامع) عنصر مهم در طرح و پلان اصلی شهر محسوب می‌شد و شریانهای مهم شهری به طرف فضای مسجد و ورودیهای آن جریان می‌یافت. وجود مسجد در شهر و محله به آن اعتبار کالبدی و اجتماعی می‌داد به نوعی که همین امر موجب افزایش میزان ارزش زمین‌های مجاور مسجد در گذشته می‌شد (پورجعفر، ۱۳۸۳، ص ۷۳). مساجد در شکل‌گیری کالبدی شهرهای اسلامی تاثیر گذار بوده‌اند. همچنین تقسیم بندی فضاها به قسمت‌های کوچکتر با بهره‌گیری از جرزها و ستون‌ها و مردم وار کردن فضاها و بهره‌گیری از عناصر زیباشناختی مانند تعادل و تقارن در کالبدها و نماها به ویژه در جهت قبله برای پدید آوردن فضای اجتماعی آرامش بخش و به دور از آشفتگی زندگی روزانه از ویژگی‌های مساجد در شهرهای اسلامی بود (رنجبر کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۰).

در شهرسازی ارگانیکی شهرها و محلات و مساجد در شهر اسلامی یگانه می‌شدند و محلات در راستای

مسجد جهت می‌یافتند به نحوی که می‌توان گفت محلات از آنجایی شروع می‌شدند که مسجد پایان یافته بود (پاپاروپور، ۱۳۸۷، ص ۲۰). آمیختگی و درهم‌تنیدگی مساجد در بافت محلات و تداوم بصری و محیطی آن باعث تقویت حس مکان در ناظرین، غابرین و ساکنین در محیط‌های شهری می‌شد. «سهولت دسترسی به مسجد از صدر اسلام از اهمیت خاصی برخوردار بود. مسجد به عنوان خانه‌ی خدا بوده و هیچ مالک زمینی نداشت تا مردم برای حضور در آن ملزم به کسب اجازه از او باشند. درب مسجد در تمام ساعات شبانه روز برای همه مردم فارغ از هر قشر و طبقه‌ای که به آن تعلق داشتند باز بود. پیامبر اسلام تاکید می‌نمودند که مسجد بایستی در مکانی بنا گردد تا مردم برای حضور در آن رغبت داشته باشند. پیامبر می‌فرمایند: کسی که به مسجد رفت و آمد می‌نماید خداوند برای هر بار رفت و آمد مکانی در بهشت به وی اختصاص می‌دهد. همچنین احداث مسجد در فاصله (۱۵۰ تا ۲۰۰ متری) این امکان را برای ساکنین فراهم می‌نمود تا با شنیدن صدای اذان از ساعت ادای نماز آگاه شوند» (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). ساختمان مسجد همواره در مسیر گذرگاههای اصلی محلی و شهری بوده و هیچ‌گاه دور از دسترس مردم نبوده است (رنجبر کرمانی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۹). نمونه‌های فراوانی از مساجد در شهرهای اسلامی وجود دارند که ضمن باز بودن رواق‌های اطراف صحن مسجد به طرف بیرون و داشتن ورودی در سه طرف فضای داخل، مسجد را به فضای شهری پیرامون خود پیوند داده و همراه با ایجاد احساس مردمی بودن و سبکی در بنا، فضای مسجد را در موقع لزوم قابل توسعه می‌نموده است (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۸۰). ضمناً منتهی شدن گذرهای شهری به طرف صحن مساجد این مکان را به فضاهای شهری تبدیل می‌نمود. وجود چنین فضاهای کالبدی شهرها و محلات شهری نوعی سرزندگی و حیات اجتماعی را برای شهر اسلامی به ارمغان می‌آورد.



تصویر ۲. آران؛ ۱. میدان، ۲. مسجد، ۳. حسینیه، ۴. حسینیه سلمانی (همان، ص ۲۸۵). وجود مسجد در هسته مرکزی شهر و مرکز محلات در شکل-گیری کالبدی شهر نقش مهمی داشته است.

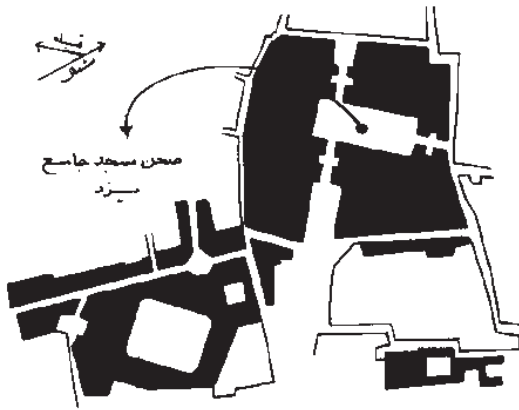


تصویر ۱. نائین؛ ۱. مسجد جامع، ۲. نارین قلعه، ۳. بازار، ۴. بارو، ۵. حسینیه (سلطان زاده، ۱۳۶۵، ص ۲۹۶). در بافت قدیم ناین مسجد و مراکز مذهبی در ساخت دهی به کالبد شهر دارای نقش مهمی بوده اند.

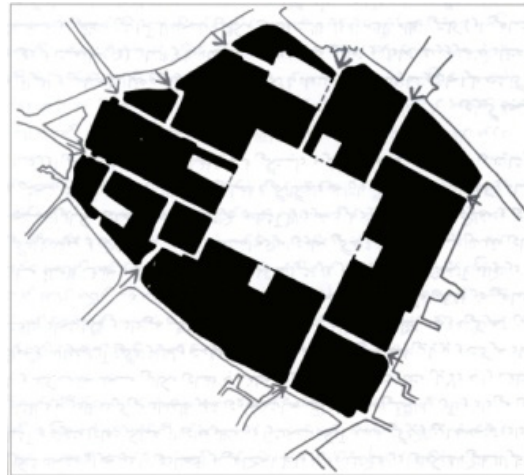


تصویر ۳. طبس؛ ۱. مسجد جامع، ۲. ارگ، ۳. مدرسه، ۴. بارو، ۵. دروازه. (همان، ص ۲۹۴). در شهرهای خطی که شهر در حول یک محور ارتباطی شکل می گرفته نیز مسجد در کنار عناصر دیگر در ساماندهی کالبدی شهر اهمیت داشته است.

آورد. برای مثال صحن مسجد جامع یزد با ورودیهای مرتبط با خیابانهای اصلی و فرعی به صورت جزئی از شبکه ارتباطی پیاده عمل می نموده است، قابلیت چشمگیر نفوذ پذیری مسجد و همجواری آن با سایر کاربریهای عمومی سازگار با آن، بر تراکم و شدت استفاده از این مکان مذهبی افزوده و فضایی پر تحرک و پویا ایجاد کرده است. در مسجد جامع اصفهان نیز به نوعی شاهد این هم آمیختگی فضای مسجد با عرصه‌های شهری می توان بود. مکان یابی مسجد در کنار چند محور اصلی و فرعی ارتباطی و احداث ورودیهای متعدد، قاعده ای است که قابلیت دسترسی به آن را بالا برده است. وجود چند ورودی درنمای مساجد بویژه در مساجدی که دارای عملکرد فرا محله ای و شهری بوده‌اند سبب اتصال میان فضای درونی و برونی می شده است.



تصویر ۵. مسجد جامع یزد. مسجد جامع یزد با ورودی‌های مرتبط به خیابان‌های اصلی و فرعی به عنوان یک فضای شهری عمل می‌نماید، نفوذ پذیری و همجواری آن با سایر کاربری‌های سازگار بر تراکم و شدت استفاده از این مکان مذهبی افزوده است (همان، ص ۴۱).



تصویر ۴. مسجد جامع اصفهان، مکان یابی مسجد در جوار چند محور اصلی و فرعی و احداث ورودی متعدد سبب دسترسی آسان تر به فضای مسجد می‌شد (پروند و تولایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۲۴

مسجد و سازماندهی فرهنگی شهر

مسجد مدینه در صدر اسلام تنها برای ادای فریضه نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت‌های دینی و اجتماعی مسلمانان، همان مسجد بود (مطهری، ۱۳۴۹، ص ۴۰). در ایران نیز، مساجد نقش مهمی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر عهده داشتند. آنها از یک سو محل برگزاری مراسم عبادی بوده‌اند و از سوی دیگر مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می‌کرده و به رتق و فتق امور مردم می‌پرداختند. به این ترتیب می‌توان گفت مسجد در جامعه ایرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی تاثیر گذار بوده است. از کارکردهای دیگر مساجد می‌توان به کارکرد قضایی، کارکرد مددکاری اجتماعی، کارکرد فرهنگی و کارکردهای آموزشی اشاره کرد. یکی از مهمترین کارکردها در مساجد، کارکرد آموزشی بوده است که از بدو تاسیس مسجد، در درون آن جای گرفته است و همواره با نشیب و فرازهایی به عنوان یکی از کارکردهایی که در درون و یا کنار مسجد قرار داشته مطرح می‌شود. در محیط سنتی اسلام تمام معارف و احکام اسلامی، اعم از آموزش و پرورش،

در گذشته بسیاری از فعالیت‌های مهم اجتماعی و فرهنگی شهرها و محلات شهری در درون یا مجاورت فضاهای مذهبی جانمایی می‌شد. در محیط سنتی اسلام، استفاده از مسجد به گونه‌ای ایده‌آل بود، زیرا مسجد به عنوان مکانی چند منظوره برای عبادت و گردهمایی، قرائت قرآن، تصمیم‌گیری سیاسی و نیز مکانی برای استراحت مورد استفاده قرار می‌گرفت (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). بر اساس اسناد و شواهد تاریخی در زمان نبی مکرم اسلام (حتی سالها پس از رحلت ایشان) مساجد فقط به عنوان محلی برای عبادت یا ارتباط با خدا استفاده نمی‌شدند، بلکه همواره در سیره نبوی، مسجد علاوه بر عملکرد عبادی دارای عملکردهای متنوع دیگر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بوده است. تنوع و کثرت فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی مساجد در زمان رسول خدا (ص) به گونه‌ای است که می‌توان گفت، مساجد در سیره نبوی وسیله‌ای برای تجلی دین اسلام و نمود عینی تلاش پیامبر برای ارتقاء زندگی اجتماعی مردم جامعه خود بوده‌اند.

در مسجد گفته می‌شد، همه گونه تعلیمات دینی و علمی، حتی امور مربوط به خواندن و نوشتن در آنجا انجام می‌گرفت. تا آغاز قرن چهارم هجری غالباً مساجد، در غیر اوقات نماز، نقش مدارس را ایفا می‌کرده‌اند، حتی بعدها که مراکز تحصیلی از مساجد به مدارس منتقل گردید، باز مدارس در جنب مساجد ساخته می‌شد و از این طریق پیوند ناگسستنی دین و علم به نمایش گذارده می‌شد. بارگزاری و جایگزینی عملکردهای متنوع و متعدد در درون مساجد و همچنین وجود کاربریهای متنوع در فضاهای پیرامونی مساجد از دیر باز در شهرهای اسلامی رواج داشته است. در تاریخ اسلام مساجد هیچگاه منحصر به عبادت اختصاص نداشته‌اند؛ بلکه همواره علاوه بر تشکیل مراسم عبادی، نماز، جلسات وعظ و ارشاد، حلقه‌های درس و بحث نیز در آن تشکیل می‌شده است که این امر پس از جدا شدن فضای مدرسه‌ها از مساجد (اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم) ادامه داشته است. کارکرد دیگر مساجد برپایی مراسم آیینی همچون برگزاری مراسم تعزیه خوانی، مراسم سوگواری، برگزاری مراسم دعا و نیایش در ایام خاصی می‌باشد. اساساً به نظر می‌رسد در طراحی کالبدی و برنامه ریزی عملکردی مساجد همواره توجه خاصی به قابلیت انعطاف پذیری و تغییر عملکرد برای فضا در نظر گرفته می‌شده است. برای این منظور معمولاً در شهرهای اسلامی، مساجد از نظر دامنه، تنوع و حوزه عملکردی آنها به انواع مختلفی تقسیم می‌شدند؛ مثل مساجد جامع، مساجد متوسط محله ای، مساجد کوچک و مسجد- مدرسه‌ها (حاج سید جوادی، ۱۳۸۷، ص ۸۶). از جمله کارکردهای دیگر مساجد در طول تاریخ، کارکرد سیاسی آنها بوده است. در طول تاریخ همواره مساجد به مثابه ابزار نظارتی برای حاکمان عمل می‌کرده‌اند و آنان همواره برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود مجبور به نزدیکی به مساجد و عالمان و قدرتهای مذهبی بودند. از این رو حاکمان سیاسی هرگاه از عالمان و

قدرتهای مذهبی دور می‌شدند و از حمایت‌های آنها محروم می‌شدند سعی در ایجاد مساجد و قدرتهای مذهبی وابسته به خود می‌نمودند که از آنها به عنوان مساجد درباری یاد می‌شده است (حاج سید جوادی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). همچنین کاربریهای گوناگون اطراف مسجد بیانگر جوفعال و پویا و ارزش بالای زمین در اطراف مسجد جامع بود. کاربریهای تجاری، فرهنگی (انجمن‌های گوناگون، کتابخانه) جهانگردی (مهمانسراها و رستورانها و غیره) و خرده فروشیهای دیگر (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۷۹) سبب افزایش میزان مطلوبیت محیط برای افراد می‌شد.

جلوخان

جلوخان واژه ای است که از ترکیب دو کلمه جلو به معنای «پیش، پیش رو، روبه رو» (عمید، ۱۳۴۲، ص ۴۷۸) و کلمه خان تشکیل شده است. خان در ادبیات به خانه، سرا، کاروانسرا به کار رفته است؛ مانند هفت خان رستم، خان گاه، خانمان (عمید، ۱۳۴۲، ص ۴۳۸). این تعریف جلوخان به معنای جلو منزل، مرحله قبل از ورود به منزل، مرحله مقدماتی منزل و یا آمادگی جهت ورود به منزل می‌باشد. در لغتنامه معین نیز جلوخان به پیشگاه خانه، میدانی که در جلو عمارت و منزل واقع باشد معنی شده است (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳۸). پیش خان به عنوان یک فضای واسطه در مرز بین حریم درون و بیرون، عبارتست از فضایی ارتباطی در جلوی در ورودی برخی بناها که عموماً از چند طرف محصور می‌باشد. این فضا به عنوان قسمتی از ورودی و اولین مرحله از سلسله مراتب ورود به بنا، ضمن تعریف حریم بنا، فضایی برای ورود، مکث، تجمع، حرکت و درک بهتر ساختمان را مهیا می‌نماید؛ لذا می‌توان گفت جلوخان به میدانگاه جلو بنا و محوطه باز قرار گرفته در آستانه ورودی خانه، مسجد، کاروانسرا، حمام و غیره اطلاق می‌گردد.

مواد و روشها

«جامعه آماری» تحقیق حاضر دو نمونه از «مساجد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۲۵

شهر شیراز» است که یکی از مساجد قدیمی شهر که نقشی ارزنده در استخوانبندی شهر داشته است انتخاب شده است و دیگری از مساجد دوران جدید است که در کنار یک شریان بزرگراهی ساخته شده و در واقع توسعه شهر و استخوانبندی شهری در آن تأثیری نداشته است. برای ارزیابی آنها متغیرهای عملیاتی مساله بوسیله سی نفر از اساتید دانشگاهی بصورت تطبیقی و مقایسه‌ای مورد قیاس قرار گرفت که از طیف لیکرت ۳ گانه (*: تأثیر کم؛ **: تأثیر متوسط و ***: تأثیر زیاد) استفاده گردید. اعتبار و روایی پرسشنامه به دلیل بهره‌گیری از طیف لیکرت، با استفاده از «روش هماهنگی درونی» (آلفای کرونباخ) می‌توان پایایی آزمون‌های نگرش‌سنجی را به دست آورد، «پایایی» مقیاس لیکرت با ضریبی در حدود ۰/۸۵ توسط محققان قابل قبول دانسته شده است که در تحقیق حاضر در حدود ۸۰ درصد بوده است که تقریباً قابل قبول بنظر می‌رسد.

«متغیرهای عملیاتی» مساله عبارت شدند از: سازمان فضایی؛ انعطاف‌پذیری؛ تناسبات بصری؛ نشانه؛ غنای حسی؛ و خوانایی. در ادامه به متغیرهای عملیاتی مساله اشاره می‌شود که از مهمترین عواملی که می‌تواند در ارتقاء قلمروهای رفتاری در این فضاها تأثیرگذار باشد می‌توان اشاره کرد به:

متغیر عملیاتی اول: خوانایی؛ کیفیتی که بر چگونگی و سهولت درک مردم از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که محیط بر آن عرضه می‌دارد، تأثیر بگذارد، خوانایی نامیده می‌شود (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵). راجر ترانسیک در کتاب «یافتن فضای گمشده» در سال ۱۹۸۶، برای فائق آمدن بر مشکل طراحی شهری به طور عام، ضرورت استفاده یکپارچه و تلفیق سه تئوری «ارتباط، شکل-زمینه و مکان» را ضروری می‌داند و برای فائق آمدن به این مشکل:

- ۱- حفظ تسلسل حرکت‌ها (ایجاد ارتباط)؛ ۲-
- محصوریت فضاها، ۳- پیوستگی لبه‌ها؛ ۴- کنترل محور و پرسپکتیو و ممزوج نمودن فضای درون و بیرون را پیشنهاد می‌کند (گلکار، ۷۹۱۳، صص ۳۸-

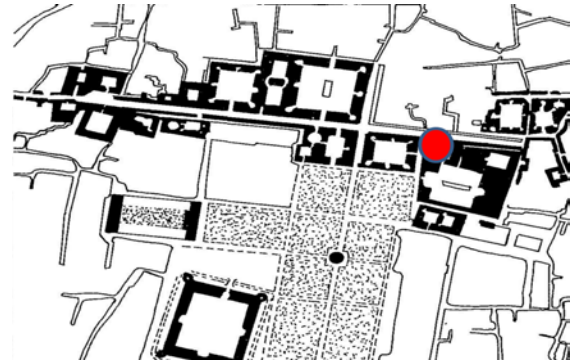
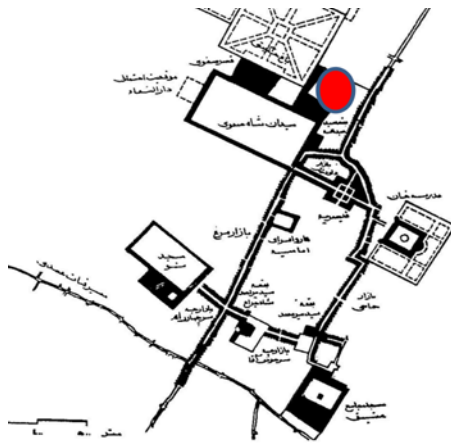
(۶۵).

متغیر عملیاتی دوم: سازمان فضایی؛ درک سامان فضایی مکان و آنچه را که در آنجا می‌گذرد و موجبات قابل درک شدن یک مکان را فراهم می‌آورد، که خوانایی فضا شمرده می‌شود. خوانایی در دو سطح فرم کالبدی و الگوی فعالیت اهمیت دارد. عناصر کالبدی از نظر کوین لینچ شهر ساز مشهور آمریکایی شامل راه‌ها، گره‌ها، حوزه‌ها و نشانه‌هاست (بنتلی و همکاران: ۱۳۸۵).

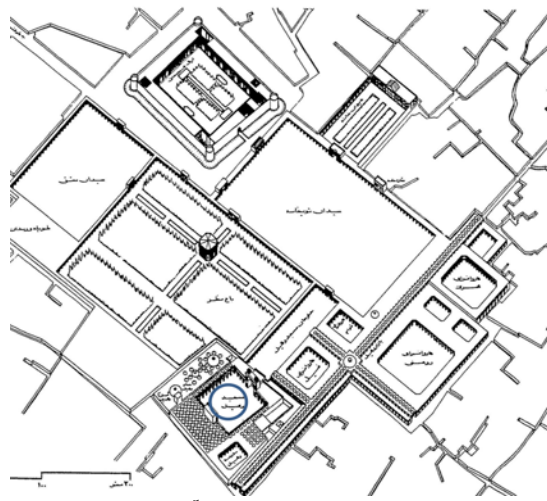
متغیر عملیاتی سوم: نشانه‌ها؛ بنابراین مساجد یک شهر می‌توانند به عنوان نشانه در ذهن شهروندان نقش بسته، علاوه بر اینکه آنان را به معانی معنوی متذکر می‌گردانند (نقی‌زاده، ۷۶۱۳، ص ۶۵۵). مکان مسجد باید به عنوان یک نشانه مهم در شهر به نحوی انتخاب شود که دید مناسبی از نقاط مختلف شهر به آن وجود داشته باشد، در گذشته نماد کالبدی مسجد از دور، دو عنصر گنبد و مناره بود (طالبی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۲).

متغیر عملیاتی چهارم: انعطاف‌پذیری؛ ترکیب توانمند مکان‌هایی که بتوانند برای منظوره‌های مختلف استفاده شوند و محیط‌هایی که قابلیت عرضه چنین گزینه‌هایی را داشته باشند دارای کیفیتی هستند که انعطاف‌پذیری می‌نامیم. از نظر «فرانسیس تیبالدز» کیفیت در طراحی شهری واجد عواملی است که یکی از آنها، محیط‌ها به شکلی «انعطاف‌پذیر» و انطباق‌پذیر طراحی و پیش‌بینی گردند. کوین لینچ در کتاب تئوری شکل شهر در سال ۱۹۸۱، شکل خوب شهر را از نظر ارتقا کیفیت زندگی شهری به پنج معیار تقسیم می‌کند که «سازگاری»، به مفهوم انطباق فرم شهری یا فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری تعریف می‌کند. سه عامل کلیدی انعطاف‌پذیری درازمدت را پشتیبانی می‌کند: عمق و دسترسی و ارتفاع.

متغیر عملیاتی پنجم: تناسبات بصری؛ کوین لینچ در کتاب تئوری شهری یکی از معیارهای کیفیت شهری را اینگونه تعریف می‌کند: در ارتقا پیچیدگی،



تصاویر ۶ و ۷. مسجد وکیل در استخوانبندی شیراز در دوره صفوی؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.



تصاویر ۸ و ۹. مسجد وکیل و استخوانبندی شهر شیراز در دوره زندیه؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

متغیر عملیاتی ششم: غنای حسی؛ کیفیتی که می‌تواند بر قوام گزینه‌های مربوط به تجربیات حسی مردم تاثیر بگذارد غنای حسی نامیده می‌شود. (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵). کیفیتی که باعث بالاتر بردن قدرت انتخاب مردم می‌گردد، غنای حسی نامیده می‌شود. کوئن لینچ در تئوری شکل شهر خوب ۱۹۸۱، می‌گوید: معنی «حس» به مفهوم نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری (گلکار، ۷۹۱۳، صص ۳۸-۶۵). مکان، تجربه فضا به وسیله انسان است. به عبارت دیگر مکان ترکیبی از انسان و محیط کالبدی اوست که به واسطه «حس کردن» به تجربه درآمده و ادراک می‌شود.

شادی‌بخش بودن و ایجاد «خوشایندی بصری» محیط تلاش گردد. «گرین» در مقاله‌ای تحت عنوان «شکل شهر» در سال ۱۹۹۲، برای کیفیت شهری چند عامل را ذکر کرده که جذابیت شامل «مقیاس تناسبات بصری و عملکردی، سرزندگی و هارمونی» است. «تصمیماتی که در این مرحله اتخاذ می‌شود یک ظاهر کلی از طرح عرضه شود که تناسبات بصری نامیده می‌شود» (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵). کیفیتی که می‌تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان، آنگونه که مردم را از گزینه‌های قابل عرضه به خودشان آگاه کند، تناسبات بصری نامیده می‌شود (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

فضای مکانی مسجد با محرک‌های گوناگون بصری و غیربصری به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم ذهن عابر را برمی‌انگیخته و بر دامنه ادراک او می‌افزوده است (پروند و تولایی، ۱۳۷۶).

نمونه های موردی

(*) **مسجد وکیل (دوره صفوی)**؛ مسجد وکیل یکی از مناطق مذهبی و تاریخی در شیراز می باشد. در غرب بازار وکیل و در انتهای راسته شمشیرگرها مسجد وسیع بسیار زیبایی بنا شده است که به نام مسجد سلطانی وکیل یا مسجد وکیل مشهور است. در واقع این بنا یکی از بناهای زیبا و بسیار مستحکم دوره زندیه می باشد که از لحاظ هنری و معماری دارای اهمیت زیادی می باشد. البته این مسجد به فرمان کریم خان زند ساخته شده است. طرح این مسجد دو ایوانی بوده و دارای دو شبستان جنوبی و شرقی می باشد قابل ذکر است که شبستان جنوبی با ستون‌های سنگی یکپارچه و مارپیچ از شاخصه‌های معماری ایرانی و از مناطق دیدنی این مسجد است که دارای ۴۸ ستون سنگی یکپارچه می باشد گفتنی است که در سمت شمال مسجد طاق بلند و مباحتمتی ساخته شده که به طاق مروارید مشهور است و در دور این طاق با قلم درشت و خط ثلث عالی یکی از سوره‌های قرآن به صورت هلالی نگاشته شده است. با وجود اینکه بافت اجزای تشکیل‌دهنده، در این دوره به طور مجزا و با قطعات بزرگ است ولی توسط میدانهایی با یکدیگر مرتبط گشته و سپس با راسته فشرده و خطی بازار به بخشهای قبلی متصل می شود و در کل بافت یکپارچه و منسجمی را می سازد. کل مجموعه از فضاهای باز و بسته تشکیل شده که از طریق فضای بسته با عناصر دیگر شهری مرتبط می شوند. عناصر سازنده مجموعه نیز از فضاهای باز و بسته ساخته شده اند و از طریق فضای باز عمومی به یکدیگر مرتبط می شوند.

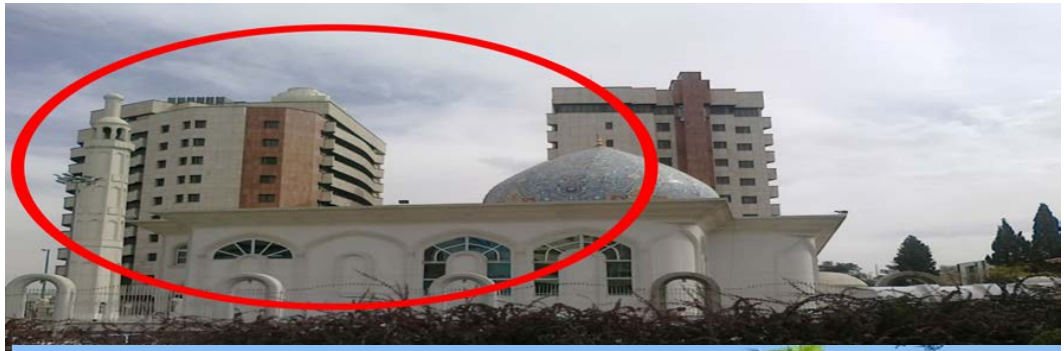
علاوه بر عناصر اصلی تشکیل دهنده شهر در گذشته، کاربریهای جدید در قالب مجموعه ای از عناصر به

شهر اضافه می شود که شامل فضای باز شهری (میدان)، فضای مذهبی (مسجد)، فضای حکومتی (قصر)، دیوان خانه، بیمارستان و کتابخانه است که اطراف فضای باز شهری قرار گرفته اند. در این الگو، ترکیبی از انواع عملکردهای شهری را که حول یک فضای خالی متشکل شده اند، می توان مشاهده نمود. جلوخان، فضایی وسیع در جلو پیش‌طاق ورودی بعضی از بناهای بزرگ و مهم. جلوخان به معانی پیشگاه‌خانه، میدانگاه جلو در خانه و محوطه باز روبه‌روی در خانه و مسجد و کاروانسرا و زیارتگاه به کار می‌رود و در بعضی از شهرهای ایران، جلوخان یا پیشخان مترادف با پیشطاق نیز هست.

مسجد وکیل (دوره زندیه)؛ در این دوره از تاریخ، در شهر مجموعه‌ای شکل می‌گیرد که شامل ارگ حکومتی، مسجد و بازار، تفرجگاه و میداين (میدان مشق و توپخانه) است که مجاور مجموعه قبلی شکل می‌گیرد و بدون حذف آن، مجموعه قدیم را تاحدی تضعیف می‌کند. مجموعه زندیه توسط راسته بازار به مجموعه شهری قبل متصل می‌شود ایجاد مجموعه فوق در ابتدای محدوده چهارباغ غرب شهر و در باغهای این محدوده شکل می‌گیرد، اما بخشهای انتهایی چهارباغ به همان صورت باقی می‌ماند.

عملکرد و فعالیت؛ از عناصر اصلی تشکیل دهنده شهری در گذشته، آن دسته از عناصر که کاربری عمومی داشته اند باقی مانده و آن بخش که اختصاصی بوده در بافت شهر جذب شده یا از اهمیت اولیه آن کاسته شده است و به جای آن فضاهای جدید با ساختاری جدید شکل گرفته است. از جمله بناهای اضافه شده در این دوره، ساختمان های حکومتی ارگ است که به صورت دژ مستحکمی است. فضاهای مذهبی موجود در این مجموعه از زمان صفویه همچنان دارای اهمیت بوده و جز عناصر استخوان بندی اصلی شهر باقی مانده است.

مشخصات عملکردی؛ عملکردهای عناصر



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۲۹

تصاویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲. مسجد فاطمه الزهرا در بافت جدید شیراز و فاقد جلوخان؛ ماخذ: تصویربرداری نگارندگان، ۱۳۹۵.

- استخوانبندی اصلی شهر در مراحل اولیه آن، حکومتی و نظامی، تجاری و مذهبی بوده است. در محدوده استخوانبندی اصلی شهر در مراحل بعدی توسعه، سه زمینه اصلی فعالیتی شامل فرهنگی- مذهبی، حکومتی- نظامی، و تجاری وجود داشته است. حوزه حکومتی شامل عناصر مذهبی و تشریفاتی نیز می باشد.
- تمرکزهای جمعیتی و فعالیتی؛ تمرکزهای جمعیتی غالباً در بخشهای از استخوانبندی اصلی شهر اتفاق می افتد که کاربریهای عمومی مثل بازار، مساجد و مدارس علمیه و بناهای مذهبی واقع شده اند و بخشهایی که از استخوانبندی شهر کاربریهای حکومتی دارند، جاذب جمعیت کمتری هستند.
۱. فاقد قرارگیری در استخوان بندی قدیم شهر شیراز
 ۲. مسجد فاطمه الزهرا فاقد جلوخان می باشد.
 ۳. قرار گرفته بر سر گره ترافیکی شهر است و
 ۴. محصور شده توسط بناهای مرتفع اطراف و
 ۵. فاقد فعالیت اجتماعی
 ۶. بارز نبودن به عنوان یک نماد شهری.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی مولفه های تاثیرگذار بر تقویت قرارگاه های رفتاری در نمونه های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ملاحظات	میزان تاثیرگذاری (*: تاثیر کم؛ **: تاثیر متوسط و ***: تاثیر زیاد)		مولفه
	مسجد فاطمه الزهرا (فاقد جلوخان مشخص)	مسجد وکیل (دارای جلوخان)	
منظور میزان تاثیر گذاری بر استخوانبندی شهر و سازمان فضایی شهر سیراز بوده که هویت کالبدی شهر شیراز را باعث شده است.	---	***	سازمان فضایی
منظور انطباق فرم شهری یا فعالیت های گوناگون و فراشدهای رفتاری است که سه عامل کلیدی انعطاف پذیری دراز مدت را پشتیبانی می کند: عمق و دسترسی و ارتفاع.	*	***	انعطاف پذیری
کیفیتی که می تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان، آنگونه که مردم را از گزینه های قابل عرضه به خودشان آگاه کند.	**	***	تناسبات بصری
دید مناسبی از نقاط مختلف شهر و وجود دو عنصر گنبد و مناره	**	***	نشانه
برانگیزش حس مکان و تجربه زیباشناختی عابران با محرک های گوناگون بصری و غیربصری به گونه ای مستقیم و غیرمستقیم و گسترش دامنه ادراک	*	***	غناي حسی
کیفیت تاثیرگذار بر چگونگی و سهولت درک مردم از فضا و موقعیت های پیرامون مسجد برای برقراری تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی	*	***	خوانایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۳۰

نتیجه گیری و جمع بندی

فرهنگی در توسعه اجتماعی را بدست آورد. مسجد به عنوان یکی از نیایشگاه های اصلی جهان اسلام همواره مورد توجه قرار داشته و نقش آن در شهرسازی اسلامی و پلانهای شهری نیز مدنظر بوده است. در مساجد گذشته حرکت به سمت مسجد پیاده، تدریجی، پرمعنی و جاذب بود. به دنبال تعیین جهت حرکت عابر پیاده با گذر از فضاهای متنوع تا رسیدن به بنای مسجد و به همراه داشتن تفاوت فضاها و مناظر (حس بینایی) صدا (حس شنوایی) و فعالیت های متفاوتی که در این مسجد و اطراف آن، باید توجه چشمگیری شود. این تحقیق نشان

با توجه به حکومت های مذهبی که براساس دیدگاه های ایدئولوژی اسلامی در شکل گیری ساختارهای شهری تاثیر بسیار داشته است باید به این امر توجه ویژه ای نمود که حکومت در دوران گذشته و حال بر پایه سه محور اقتصاد و سیاست و مذهب شکل گرفته است که از ارکان مهم قدرت مذهب بوده است که مساجد پایگاه اصلی مذهب در جامعه به شمار می رود. از این رو نقش مساجد در شکل گیری و روند توسعه شهری بسیار پررنگ است که با بررسی آن می توان تاثیر آن و جایگاه

می‌دهد که نقش طرح کالبدی بر فعالیت‌ها هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از طریق ابعاد نشانه‌ها و معانی صورت می‌گیرد مهمترین اهدافی که این پژوهش دنبال دارد بررسی جایگاه مساجد امروزه در تعاملات شهری و همچنین عواملی که سبب کم‌رنگ شدن نقش فرهنگی اجتماعی این مکان شده است. بخش عمده تحقیق که به صورت مطالعات کتابخانه‌ای بود و در نهایت تحلیلی تطبیقی برای رسیدن به هدف اصلی مقاله بررسی نقش کالبدی-اجتماعی مساجد دیروز و امروز شیراز در فضاهای شهری انجام گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مقایسه عواملی چون خوانایی، نشانه‌ها، انعطاف‌پذیری، تناسبات بصری، غنای حسی و کاربری‌های اطراف، در گذشته و حال ما را در این پژوهش یاری خواهد کرد. هدف نهایی این مقاله بررسی نقاط ضعف و قوت فضای اطراف مسجد در دوره گذشته و معاصر می‌باشد که چرا مسجد شاخصه و جایگاه ویژه خود را در شهر به خوبی نمایان نمی‌کند و همچنین برای مکانی پاسخده از فضای شهری که حضور مسجد در این مکان را پررنگ‌تر و پویاتر نماید و حال و هوای محیط را اجتماعی‌تر و مذهبی‌تر جلوه‌گر نماید. در راستای ارتقا و تقویت قرارگاه رفتاری در جلوخان مساجد راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. افزایش میزان شاخصه‌های زیباشناختی در جلو و میدانه‌های پیشروی مساجد مدرن؛
۲. تقویت عملکردهای فضایی با تقویت مولفه‌های تاثیرگذار بر تسهیل استفاده از فضاهای جلوگاه مساجد.
۳. بهسازی زیرساختها و ویژگیهای کالبدی فضاهای جلوخانی در راستای بهبود کیفیت کالبدی فضا و افزایش مطلوبیت بهره‌گیری از فضاهای جلوخانی؛
۴. تقویت مراودات شهروندی و تعاملات سازنده اجتماعی به طرق گوناگون در راستای ارتقا سطح فعالیت‌های گزینشی و انتخابی در فضاهای جلوخانی.

منابع و ماخذ

امین زاده، بهناز (۱۳۷۸) حیاط مساجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر ۱۳۷۸.

آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، خلوت فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه دکتر علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.

بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) تحلیل فضاهای شهری، در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

پاپاروپور، الکساندر (۱۳۸۷) معماری اسلامی، مترجم: حشمت جزیی، انتشارات سیما.

پاکزاد جهان‌شاه و اسدی خوانساری حسین (۱۳۹۰) راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، انتشارات پیام سیما.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری: مطالعه معوقه شهروندان، فصلنامه پژوهشی، تحلیلی، آموزشی مدیریت و برنامه ریزی، سازمان شهرداری کشور، سال سوم.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) مفاهیم و مبانی نظری فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه علم و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

۵۳۱

صنعت ایران.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی. پروند، شادان و تولایی، نوین (۱۳۷۶) ویژگیهای فضایی و مکانی مسجد در ایران: آموخته هایی از نمونه های ماندگار گذشته، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، تهران ۱۳۷۶.

پورجعفر، محمدرضا و آزاد میترا (۱۳۷۹) بررسی تاریخی حضور آتش در کتیبه ها و نیایشگاههای ایران باستان، اولین هم اندیشی هنر و عناصر طبیعت، تهران.

پورجعفر، محمدرضا و خاتمی، مهدی (۱۳۸۵) معماری مسجد و نقش آن در شهر پیامبر، مجموعه مقالات همایش تجلی حسن محمدی در هنر، دانشگاه هنر تبریز.

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۶) نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله های شهرهای اسلامی، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۸) باز آموزی از طراحی و معماری مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.

پورجعفر، محمد رضا (۱۳۸۱) توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، شماره ۳.

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱) توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، شماره ۲ سال ۱۳۸۱.

پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۸۸) جایگاه معماری مسجد در سیمای محله، مساجد در شهرهای جدید.

حاج سید جواد، فریبرز (۱۳۷۸) مسجد-

مدرسه ها، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.

حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷. رنجبر کرمانی، علی محمد (۱۳۷۸) بررسی تطبیقی معماری نیایشگاههای غربی و مساجد، فروغ مسجد، انتشارات ثقلین.

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵) مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، نشر آبی، تهران سلیمانی، محمد جواد (۱۳۷۸) معماری مسجد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر آذرماه ۱۳۷۶.

شکاری، جواد (۱۳۸۰) معماری مسجد در نظام اسلامی، مجله فرهنگ مسجد، شماره ۶۳. عمید، حسن (۱۳۴۲) فرهنگ عمید، ناشر کتابخانه سینا، تهران.

کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا، شماره ۳۲.

گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.

گلکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، فصلنامه صفا، شماره ۴۴، ص ۷۵-۶۶، سال شانزدهم.

مان، نرمال (۱۳۶۴) اصول روانشناسی، ترجمه محمود ساعتچی، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران. مرتضی، هشام (۱۳۸۷) اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

مطهری، مرتضی (۱۳۴۹) خدمات متقابل اسلام و ایران، شرکت سهامی انتشار.

معین، محمد (۱۳۶۰) فرهنگ فارسی، جلد اول،

- Larice, Michel and Macdonald; Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routledge . New York. PP 371-375 &
- Marcus; C and Francis. C (1998) People place. Design Guidelines for Urban Opon Spaces. John Wiley & Sons.
- Mitchel D, Introuction: Public spaceand the city, Urban geography, no.2, 1996
- Porker, Robert (1983), Nash Measuring Social Participation, American Sociological Review, PP864-873
- Punter.J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
- Rapaport,Amos, 1997 "Human Aspected of Urban Form",Pergamon Press.
- Serageldin and Grooteat (2000) Defining Social Capital: an Integrating View. In Social Capital, A multi-faceted Perspective. The World Bank Washington.
- Thompsons Catharine.W (2002) Urban Open Space in The 21 st Century. Landscape and planning (60) 59-72, Elsevier
- Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59 Marcus & Francis, Gathering live, 1998
- Whyte, William, The Design of Spaces, project for public spaces,New York, 1985.
- Whyte, William, The Social Life of Small Urban Spaces, project for public spaces,New York, 1981.
- Woolch, M (1998) Social Capital and Economic Development Toward a Synthesis and Policy Frame Work, Journal of Theory and Society, vol 27, pp 151-208
- انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
نوری، مهدی (۱۳۷۸) تحلیل جامعه شناختی مسجد، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۳.
- الویری، محسن (۱۳۸۵) مسجد الگوی جامعه دینی، مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش هفته جهانی مساجد (فروغ مسجد) سال ۱۳۸۵.
- Altman, I & Chemers, M 1975 :Culture and Environment, Montrey CA, Books, Cole.
- Altman, I: 1975 "The Environment and Social Behavior", Montrey, CA, Books, Cole.
- Andreson , W.A (1943) The Family and Individual Social Participation, American Sociological Review, PP 420-424
- Barker, R. G, 1968 "Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior". Stanford, Ca.: Stanford University Press.
- Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
- DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
- Gaoteri, H (1986) Popular Participation in Development, in Participation in Development , Paris, VNESCO
- Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings
- Giddens, a (1994) Beyond Left & Right. Cambridge: Polity Press.
- Lang, Jon 2005 "Urban Design: A Typology of Procedures and Products.
- Lang, Jon: Urban Design 1994: The American Experience, Van Nostrand Reinhold.
- Larice, Michel and Macdonald. Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348-375

20. The Study and Analysis of Changes in Sultanates Architectural Forms and Elements in Beylik's Era and Their Role in the Rise of Ottomans Architecture ■ 325-342 ■
21. The continuum between the house and the city: the Iranian home part of the neighborhood and the neighborhood, with emphasis on the values of the Islamic city ■ 343-366 ■
22. Analysis of the structure of the physical geometry of urban space in the form of military architecture, case study: Sardar Asad castle in Chaharmahal and Bakhtiari Province ■ 367-388 ■
23. An expression of social justice in Islamic-Iranian model of urban neighborhoods ■ 389-410 ■
24. Explain The Relationship Between Social Capital And Urban Management Mediating Role Of Citizen Participation (Case Study Kerman Municipality) ■ 411-422 ■
25. Study the concept of cognitive signs and codes in architecture and urbanism with an emphasis on architecture and Islamic city ■ 423-444 ■
26. Evaluating the Achievement of the Objectives of Mehr Housing Plan: Case Study of Pardis New City, Tehran ■ 445-452 ■
27. Islamic architecture and urban planning from the perspective of wisdom of existence ■ 453-480 ■
28. Light Dignity in Ayat al-Nur; Qualitative principles of (natural) light based on Quranic texts for application in contemporary Religion spaces ■ 481-498 ■
29. The Process of Globalization and Its effect on Regional-Urban Development (Case Study: Chabahar in Southeast of Iran) ■ 499-514 ■
30. Mosques forecourt place yesterday and today in the formation and strengthening of behavioral setting (comparative case study in Shiraz Vakil Mosque and the Mosque of Al-Zahra) ■ 515-534 ■



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

■ ۵۳۴ ■